

و پایدار از آموزش دینی ارائه دهد. سپردن مدیریت مدرسه به دو چهره جوان، نشانه اوج آینده‌نگری اوست؛ زیرا نهاد تنها زمانی ادامه می‌یابد که از آغاز به نسل آینده سپرده شود. بنابراین، می‌توان گفت تحول از نقطه‌ای آغاز می‌شود که نگاه سنتی پایان یابد و نگاه تمدنی آغاز گردد و مدرسه عالی حسینی نخستین نقطه روشن این آغاز در تاریخ معاصر حوزه به‌شمار می‌رود. پشتیبانی خیرین، همراه با مدیریت مالی شفاف، مدرسه را از وابستگی به منابع ناپایدار شخصی و موقتی‌ها کرد. این استقلال مالی یکی از شروط اصلی برای بقای هر نهاد تمدنی است؛ زیرا نهاد تمدنی باید توان تداوم عملکرد مستقل از مؤسس را داشته باشد.

آینده‌نگری و نگاه تمدنی در طراحی مدرسه

۱- **طلبه‌ی مهارت‌مند؛ کنشگر تمدنی:** در اندیشه آیت الله میلانی، طلبه نه فقط حامل علم دینی، بلکه حامل نقش تمدنی است. او باید از مهارت‌های زبانی، ارتباطی، بین‌فرهنگی و تحلیلی برخوردار باشد تا بتواند نماینده معارف اسلام در جهان معاصر باشد. از این منظر، مدرسه عالی حسینی، «نظام تربیت کنشگر تمدنی» بود و نه مکانی برای «آموزش فقیه سنتی».

۲- **دبیلیماسی علمی و تبلیغ بین‌المللی:** بر اساس اسناد موجود، برنامه مدرسه به گونه‌ای طراحی شده بود که طالب، مخصوصاً برای فعالیت تبلیغی در اروپا و آمریکا آماده شوند. این امر - در زمانه‌ای که بسیاری حتی آموزش زبان خارجی را بی‌وجه می‌دانستند - نشان‌دهنده فهم عمیق آیت الله میلانی از زیست‌جهان جدید و ضرورت گفت‌وگو در میدان‌های جهانی بود. این ترکیب از شاخصه‌های اصلی یک «پروژه تمدنی» است؛ زیرا تمدن زمانی استمرار می‌یابد که توان بازنمایی خود را در بیرون از مرزها داشته باشد.

نشانه‌های روشن تحول گرای

همان‌طور که اشاره شد، یکی از مهم‌ترین رفتارهای نهادی آیت الله میلانی، سپردن اداره مدرسه به دو چهره جوان - سیدفاضل میلانی و علی اکبر الهی خراسانی - بود. این تصمیم، با وجود حضور شاگردان برجسته، اساتید مجرب و شخصیت‌های باسابقه، اقدامی غیرمعمول در سنت حوزه محسوب می‌شد؛ زیرا معمولاً مدیریت مراکز جدید به شخصیت‌های مسن‌تر و تثبیت‌شده واگذار می‌گردد. در نظریه نهادسازی، نهادها زمانی پایدار می‌یابند که مؤسس به «تداوم نسلی» بیندیشد. نهاد باید عمر طولانی‌تر از فرد مؤسس داشته باشد. این تداوم تنها در صورتی ممکن است که مدیریت از همان آغاز به نسلی سپرده شود که اولاً، توان زیست در آینده را دارد، ثانیاً، با نیازهای روز و زبان جهان معاصر آشناسیت، ثالثاً، کمتر گرفتار محافظه‌کاری نسلی است و رابعاً آمادگی بیشتری برای پذیرش علوم جدید دارد. از این منظر، رفتار آیت الله میلانی نشانه روشن نگاه تمدنی است؛ زیرا تداوم سازمانی نهاد را چارچوب نگاه تمدنی قابل فهم است، نه در چارچوب نگاه سنتی. در نگاه سنتی، مرکزیت با «فرد» اما در نگاه تمدنی، مرکزیت با «نهاد» است. کسی که صرفاً نگاه سنتی دارد، هرگز قدرتی را که در میدان علمی کسب کرده، به یک سیستم یا نسل اندک تجربه و واگذار نمی‌کند، زیرا منطق سنت، منطق کنترل فردی است. اما

نگاه تمدنی، منطق «واگذاری قدرت به نهاد» را در خود دارد. این تفاوت، معنای عمیق حرکت آیت الله میلانی را روشن می‌کند.

متن افتتاحیه مدرسه

«مدرسه عالی حسینی» روز پنجشنبه، ۹ دی ماه ۱۳۵۰، مطابق با ۱۱ ذوالقعدة ۱۳۹۱ و در سالروز ولادت عالم آل محمد (ع) امام علی بن موسی الرضا (ع) افتتاح شد. متن افتتاحیه «مدرسه عالی حسینی» که در این نوشتار برای نخستین بار منتشر می‌شود، از این قرار است: (رسم الخط در چاپ، حفظ شده)

«بسم الله الرحمن الرحيم - در ظل توجهات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - نظم و انضباط در شئون مختلف زندگی، امروز یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین اصولی است که هر جامعه‌ای ناگزیر است خود را با آن منطبق سازد. دین مقدس اسلام که الهام‌بخش تمام نظام‌های فردی و اجتماعی است در این زمینه اهتمام بیشتری بعمل آورده تا آنجا که رهبر بزرگ عالم اسلام و انسانیت حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام در آخرین لحظه حیات به دوفرزند گرمی خویش و نیز بجهان انسانیت خطاب کرده میفرماید: اوصیکما وجميع ولدی واهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم؛ بشما دو فرزندم و بسایر فرزندان و خاندانم و همه کسانی که این منشور با آنان ابلاغ شود توصیه و سفارش میکنم برعبایت تقوی و نظم دادن به کارها. از طرفی تبلیغات مذهبی که لازم است همیشه توأم با نظم و انضباط کامل باشد تا بتواند وظیفه سنگین و رسالت خطیر و پراهمیت خود را در این عصر که فساد و بی‌دینی رواج دارد انجام دهد، متأسفانه صرف‌نظر از موارد خاص چنانکه بر کسی پوشیده نیست دچار نابسامانی گردیده و آنطوری که باید و شاید از آن بهره‌برداری نمیشود، بنابراین لازم و ضروری بود در این مورد اقدام اساسی بعمل آید و حتی الامکان به تبلیغات مذهبی سر و سامانی داده شود. بدین منظور، حضرت آیت الله العظمی میلانی دامت برکاته درصدد برآمدند مقدمات تأسیس یک مرکز تعلیم و تربیت منظم را فراهم آورند، تا بوسیله آن بهتر بتوان برنامه‌زیر را که آرزوی جامعه روحانیت است عملی کرد.

الف: آماده کردن مبلغین و وعظ دانشمندان و پرهیزگار مطابق نیاز روز - ب: تربیت گویندگان و سخنوران

مجهز بمعلومات لازم، آشنا با اوضاع زمان، آماده برای پاسخگویی بمشکلات نسل جوان - ج: پرورش محققان و نویسندگانی که قادر باشند از طریق نشر مقالات و مجلات و تألیف و تصنیف حقایق اسلام و معارف تشیع را اشاعه دهند.

بدیهی است چنانچه با تأییدات الهی و توجهات خاصه حضرت ولی عصر (ع) برنامه فوق عملی گردد میتوان بنتایج زیر در راه اصلاحات و بهره‌برداری صحیح نائل آمد: ۱- هماهنگ کردن تبلیغات مذهبی، و جریان آن از مجرای صحیح خود. ۲- تحکیم مبانی توحید و اشاعه حقایق و معارف مذهب در میان توده مردم از طریق توسعه و گسترش بیشتر تبلیغات مذهبی. ۳- هماهنگ کردن سطح تبلیغات مذهبی با سطح فرهنگ و تمدن روز و تطبیق آن با اوضاع زمان. ۴- جلب نظر نسل جوان و طبقه روشنفکر اسلام و تشیع. ۵- تنظیم برنامه‌های تبلیغی برای دبستانها - دبیرستانها - دانشگاهها و تشکیل کنفرانسهای مذهبی در کلیه مؤسسات آموزشی و صنعتی. ۶- اعزام مبلغ و سخنران به نقاط دور افتاده کشور و احیاناً اعزام بکشورهای خارج. ۷- کمک و راهنمایی دستجات مذهبی و انجمنهای دینی شهرستانها. ۸- جلوگیری از تبلیغات سوء و منحرف‌کننده مسلک‌های ضد دینی. ۹- طبع و نشر مقالات هفتگی و مجلات ماهانه و کتب دینی و اخلاقی و تربیتی بزبانهای مختلف. ۱۰- نظارت بر مطبوعات و جلوگیری از نشر اکاذیب و خرافات بنام دین و همچنین جلوگیری از چاپ مقالات ضد اخلاق و عفت عمومی.

خوشبختانه اهتمام حضرت آیت الله در این باره یحیی بود که با همه مشکلاتی که در پیش بود در مدت کمی مقدمات کار فراهم شد یعنی محلی مناسب و مجهز بتمام وسائل مربوطه و همچنین اساتیدی علاقمند برای اجرای برنامه فوق تعیین گردید و پس از انجام امتحان ورودی برای انتخاب محصلین مورد نظر (واجد شرایط) از میان جمع داوطلبان در تاریخ یازدهم ذی القعدة ۱۳۹۱ (مطابق با ۹-۱۰-۱۳۵۰) که مصادف با روز میلاد مسعود ثامن الائمه، حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء بود محل مزبور بنام (مدرسه عالی حسینی) نامگذاری و حسب الامر معظم له افتتاح شد.»

